

## معرفی کتاب

جنگ بدون مرز،  
استعمار جدید جهان

نویسنده : Maria Mies

برگردان ناهید جعفرپور  
ویراستار کوروش جعفرپور

خانم ماریا میز در کتاب حاضر رابطه میان جهانی سازی و جنگ را نشان داده و استدلال می نماید که چگونه بازار آزاد جهانی و مدل نولیبرالی، قدرت و خشونت و نظامیگری را در سرتاسر جهان گسترش می دهند. وی در این کتاب ثابت می کند که جنگ در داخل و خارج از کشورها شکلی از انهدام دموکراسی و دولت اجتماعی است و باعث افزایش و گسترش فشارهای اجتماعی و نابرابری خواهد شد. در باره خانم ماریا میز:

ماریا میز متولد ۱۹۳۱ پروفیسور جامعه شناسی در دانشگاه کلن آلمان و از فعالان جنبش زنان، جنبش اقتصادی و هم چنین جنبش بر علیه جهانی سازی نئولیبرالی (کنسرن سالار) می باشد. از خانم ماریا میز تا کنون کتوب و مقالات بیشماری علنی گشته است.

## سر فصل های کتاب:

پیشگفتار نویسنده  
مقدمه

جهانی سازی نولیبرالی و جهانی سازی جنگ

## ۱- بخش اول

سیستم تجارت جهانی بعنوان سیستم جهانی جنگ

۱/۱ جنگ برای اقتصاد خوب است

۱/۲ منطق تجارت آزاد و منطق جنگ

۱/۳ از اقتصاد به اقتصاد جنگ

۱/۴ اسلحه "نظم نوین جهانی" مقاله ای از کلایودیا فون ورل هوف

۱/۵ استعمار قدیم، استعمار جدید

## ۲- بخش دوم

توسعه سیستم جنگی جهانی

۱ / ۲ ایدئولوژی جنگ، جنگ در مغزها آغاز میشود

۲ / ۲ یوگسلاوی، جنگ ناتو و برنامه جدید ناتو

۳ / ۲ افغانستان: جنگی جهانی بر علیه تروریسم

۴ / ۲ عراق

## ۳- بخش سوم

جنگ بدون مرز

۱/۳ اقتصاد، نفت، نظم نوین جهان

۳/۲ جهانی سازی، بحران، جنگ

۳/۳ نتایج جنگ، مخارج جنگ

۳/۴ انهدام موجودیت، توسعه نابرابری و عقب ماندگی اقتصادی

۳/۵ وخیم شدن جنگ، شدت گرفتن استراتژی جنگ

۳/۶ جنگ در داخل

۳/۷ چشم اندازها، مقاومت

۳/۸ ادبیات

## پیشگفتار نویسنده:

در باره جنگ کتاب های بسیاری به رشته تحریر در آمده است. آیا نیازی به نوشتن کتاب دیگری در باره جنگ های جدید است؟ چه سئوالاتی تا کنون در این باره بی پاسخ مانده اند؟

دلیل اساسی که باعث شد من این کتاب را بنویسم رسیدن به این حقیقت بود که تا کنون به دلایل واقعی بروز جنگ ها و پرسش های مطرح شده در باره رابطه میان سیاست های اقتصادی جهانی سازی نولیبرالی و سیاست های نوین جنگ اهمیت بسیار کمی داده شده است.

موضوع اصلی کتاب حاضر این است که از یک سو جهانی سازی نولیبرالی به جنگ می انجامد و از سوی دیگر همین جنگ ها به پیشرفت جهانی سازی نولیبرالی کمک می نمایند.

هدف شناخت این رابطه است تا بدینوسیله این شناخت در تئوری و عمل جنبش اجتماعی نوین ضد جهانی سازی نولیبرالی مورد استفاده قرار گیرد.

تلاش برای نوشتن چنین کتابی مسلما با مشکلات فراوانی روبرو بود. چگونه می توان "جنگ های بدون مرز" را تجزیه و تحلیل نمود در حالیکه این جنگ ها با قدرت و شدت در جریانند؟ اصولا با واژه جنگ چه چیزی را می خواهیم بیان کنیم در حالی که این واژه چنانچه در این کتاب نشان داده شده در ابعاد گوناگون واقعی تعمیم یافته است: در اقتصاد، ایدئولوژی، زندگی روزمره و دموکراسی. آیا این مفهوم کلی و تعریف نشده ای جنگ به یک دیکتاتوری مابوسانه ختم نمی شود؟

در واقعیت هدف این کتاب نشان دادن این مسئله است که دیکتاتوری جنگی از ابتدای پیدایش سرمایه داری همراه آن بوده و تنها امروز در فاز نوین سرمایه داری است که این پدیده بطوری ملموس تر پدیدار می شود.

ضروریست که مخالفان جهانی سازی نولیبرالی کنسرن سالار و طرفداران صلح، جهانی سازی کنسرن سالار و همچنین منطق جنگی مشترک اقتصاد و نظامیگری را بشناسند.

تنها بدین طریق است که می توان با این پدیده ها به صورتی موثر مبارزه نمود. بنا بر این هدف این کتاب تمامی جنگ های موجود تا کنونی و بخش های مختلف زندگی که تحت تاثیر این جنگ ها زجر می کشند، نمی باشد بلکه من در این

کتاب خود را به بررسی جنگ کوزوو، افغانستان و جنگ عراق محدود می نمایم.

با بر خورد به این سه مثال مهم می توان بسیار جامع و دقیق نشان داد که در فاز نوین چه چیزی در این جنگ ها نو می باشند. (نو از این جهت که این جنگ ها طبق مدارک موجود بی مرزد و پایانی نداشته و بر زندگی تمامی بخش های حتی کشور هائی که در این جنگ ها شرکت ندارند تاثیر می گذارند.)

در این کتاب نقش میان منطق اقتصاد و منطق نظامیگری در رابطه با جنگ ها مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. از این رو به بسیاری از بخش هائی که مورد هدف این جنگ ها قرار می گیرند، اشاره نشده است. با زبانی دیگر من در این کتاب به نتایج سیاسی، اقتصادی، روانی و فرهنگی این جنگ های نوین نمی پردازم و اگر در روند کتاب به واژه جنگ های "نوین" اشاره می شود، در واقع نشان دادن تفاوت میان این جنگ ها با جنگ های "قدیمی" مد نظر می باشد که غالبا تحت عنوان "ضرورت دفاعی" قانونی گشته اند. افزون بر این قصد من در این کتاب جدا ساختن این جنگ ها از آنچه که مانفرد مونکل در سال ۲۰۰۲ در کتابش بنام "جنگ های جدید" آورده است، می باشد. جنگ هائی که مشخصا در آفریقا و کشور های دیگر جهان سوم باعث فروپاشی دولت های این کشورها گردید.

به این لحاظ من در کتاب حاضر "جنگ های نوین" را با علامت تاکید ذکر می نمایم. در اینجا من قصد دارم از تمامی انسانهایی که در شکل گیری و تجزیه و تحلیل این کتاب به من کمک نموده اند تشکر کنم. بخصوص کلودیا فون ورل هوف که سالهای متمادی در بحث ها و جمع آوری مدارک به من کمک کرده است. بحث هائی که در رابطه با اقتصاد پدر سالاری سرمایه داری و جنگ قرار دارند. من با کلودیا میتوانستم به بسیاری از سئوالاتی که ذهنم را مشغول نموده بود پاسخ گویم. همچنین وی اولین جلد تمام شده کتاب را منتقدانه مطالعه نمود و در این راستا با راهنمایی هایش به من کمک نمود.

همچنین میخواهم از دیرک فوگل کامیف عضو کمیته حقوق اولیه و دموکراسی و دوستان صلح طلبم از سازمان "اطلاعات در باره نظامیگری" و نهاد صلح شهر لینز تشکر نمایم. اطلاعاتی که این دوستان در اختیار من گذاشتند "در باره قوانین نظامی" برای شناخت "حل شدن اتحادیه اروپا در سیستم جنگی جهانی" بسیار ارزشمند بود. از همه مهمتر از همسر من سارال بخاطر اطلاعات بیشماری که در اختیار من گذاشت و همچنین نقد ها و پند های ارزنده اش که برای من بسیار اهمیت داشتند، تشکر می نمایم. افزون بر این از مرکز انتشارات پای پی روزا به خاطر همکاری دوستانه و تلاش های بسیار قدردانی می نمایم. قدردانی من همچنین اوا ایگلمود و هرمنه کاراس را که در نوشتن و تحریر این کتاب به من کمک نمودند بر می گیرم.